

سرسخن:

هیچ زن مبارز، آزادیخواه و فمینیستی که خواهان رهایی از ستم است

نمی تواند نسل کشی در فلسطین را تحمل کند!

در بسیاری مواقع در پشت جنایات علیه بشریت مسائل «کوچک» پنهان می ماند. در شرایط کنونی، در پشت نسل کشی از فلسطینی ها، بیش از ۳۲ هزار کشته، ۸۰۰ هزار زخمی، هزاران زیر آوار مانده، صدها هزار آواره، قحطی و گرسنگی؛ موقعیت زنان، جوانان و نوجوانان دختر پنهان مانده است.

از میان این کشته شده ها و آوارگان از ۷ اکتبر تا نگارش این نوشته، بر طبق گزارش نهادهای وابسته به سازمان ملل، حداقل ۹ هزار زن کشته و نزدیک به یک میلیون زن آواره شده اند. بطور متوسط هر روز ۶۳ زن در نوار غزه، توسط نژادپرستان زن ستیز اسرائیلی جان خود را از دست می دهند. سربازان اسرائیلی عامدانه زنان و کودکان فلسطینی را، حتی آنانی که به دنبال پناهگاه و یا فرار با پارچه سفید به دست بودند، هدف قرار داده و به قتل رساندند. در حقیقت ۷۰ درصد کشته شده های غزه را زنان و کودکان تشکیل می دهند. در هر ۱۰ دقیقه یک کودک کشته می شود و هر روز بر تعداد کشته ها و مجروحین افزوده می شود. زندگی هزاران زن هم چون «رانیا ابوانزا» می باشد که دو قلوهای ۵ ماهه اش، پس از ۱۰ سال تلاش برای بچه دار شدن، را همراه با همسرش در حمله هوایی اسرائیل از دست داد.

نسل کشی کنونی فلسطینی ها در غزه و کرانه باختری توسط نژاد پرستان فاشیست اسرائیلی با پشتیبانی آشکار قدرت های امپریالیستی بویژه امپریالیست های آمریکایی، نکهه یا «فاجعه» دیگری است. نکهه دیگری است که اگر در سال ۱۹۴۸ صهیونیست ها با پشتیبانی و دخالت مستقیم قدرت های امپریالیستی برای تشکیل دولت اشغالگر اسرائیل، فلسطینی ها را با زور اسلحه و قتل عام از سر زمین های شان راندند و در تمامی این سال ها با پیشبرد همین روش زمین های بیشتر و بیشتری را از آنان به سرقت بردند و میلیون ها نفر را مجبور به ترک خانه و سرزمین خود و اسکان در کشور های مختلف کردند؛ امروزه قصد دارند کار غزه را، همان باریکه ای که فقط ۲ درصد از سرزمین اصلی فلسطینی ها را در بر می گیرد، همراه با قتل عام آنان، یکسره کنند.

بیش از هفت دهه است که قتل عام مردم فلسطین را عادی سازی کرده اند. تحمیل مرگ جمعی، زخمی های بیشمار، زندانی کردن تعداد وسیع و آواره سازی خیل بزرگی از مردم، طی این چندین دهه در گزارشات کوتاه و ناقص در رادیو و تلویزیون و رسانه های اصلی در کشورهای «مدرن»، «دمکراتیک»، «حفاظان آزادی بیان»، «مهددمکراسی» و...؛ مدفون شده است.

در همین روزها در گزارشات و اخبار جهت دار رسانه های غربی، همه این جنایات علیه مردم ستمدیده فلسطین تحت نام های گوناگون از جمله «دفاع از خود»، پوشش داده می شود. ریختن بیش از چهل و پنج هزار بمب به وزن ۶۶ هزار تن بر سر مردم و خانه و کاشانه شان، یعنی به طور متوسط ۱۸۳ تن مواد منفجره در هر کیلومتر مربع در غزه، تحمیل گرسنگی، بی آبی، بی برقی، بی دارویی و... «دفاع از خود» خوانده می شود. آنان وقیحانه و بصورت مکرر به ۷ اکتبر رجوع می کنند در حالی که ۷۵ سال است که هر روزش برای فلسطینی ها معادل و یا بسیار بدتر از ۷ اکتبر بوده است. حمله نظامی حماس این نیروی بنیادگرای اسلامی به نام «توفان الاقصی» که با تفکری ارتجاعی غیر نظامیان از جمله زنان و کودکان اسرائیلی را نشانه رفت، هیچ ربطی به مردم فلسطین و منافع آنان ندارد.

در حقیقت «دفاع از خود» به سبک نژاد پرستان اسرائیلی و قدرت های امپریالیستی و رسانه های شان، یعنی پاکسازی خاک فلسطین از فلسطینیان. از ویژگیهای رسانه ها در این روزهایی که نسل کشی فلسطینی ها در دستور کار صهیونیست ها و امپریالیست ها قرار دارد، این است که اطمینان حاصل کنند که هر بیننده و خواننده ای به این باور برسد که اگر سر باز اسرائیلی گلوله ای را شلیک می کند، مقصر خود فلسطینی ها هستند.

نژاد پرستان اسرائیلی هم زمان که از زمین و آسمان و دریا مردم فلسطین را زیر بمب و گلوله قرار داده اند، از رسیدن هر نوع کمک غذایی جلوگیری می کنند. «فقر، مخصوصا وقتی رنگین پوست باشند، به حساب نمی آیند. آنها را می توان مانند مگس کُشت، قحطی و گرسنگی در غزه یک فاجعه طبیعی نیست. این طرح اصلی اسرائیل است.» (از مقاله: **بگذار خاک بخورند**) - کریس هِجِز*. مشخص است که در میان گرسنگان فلسطینی، کودکان آسیب پذیرتر از همه هستند. سازمان ملل در اوایل اسفند هشدار داد که مطابق مشاهدات و گزارش امدادگران این سازمان «وقوع قحطی در غزه اجتناب ناپذیر است». رئیس سازمان بهداشت جهانی در چهارم ماه مارس خبر جان دادن ۱۰ کودک به علت گرسنگی در شمال غزه را در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) نوشت و تصریح کرد که «مرگ آن ها ناشی از کمبود غذا» بوده است.

امپریالیست های آمریکایی در تمام دوران و بطور مشخص از ۷ اکتبر تا کنون بطور مرتب با ارسال مقادیر فوق العاده عظیم کمک مالی و تسلیحات نظامی، شرایط را برای نژاد پرستان اسرائیلی در نسل کشی فلسطینی ها تضمین کرده اند. در رابطه با قحطی و گرسنگی مطلق و تحمیلی به فلسطینی ها و فشار افکار مترقی در آمریکا و سایر نقاط جهان هم، دولت آمریکا مجبور شد کمک های ناچیز غذایی خود را به شکل تحقیر آمیز از طریق هواپیما و از هوا بر سر مردم پرتاب کند تا از این موضوع هم بتواند به نفع خود و ژست های «بشر دوستانه شان» استفاده کنند.

از لابلای اندک گزارشات رسمی رسانه های اصلی در کشورهای غربی که از قتل عام «عادی» شده قرن بیست و یکم توسط فاشیست های حاکم بر اسرائیل و آمریکا و دیگر قدرت های امپریالیستی و مرتجعین منطقه ای منتشر شده است، می توان به موقعیت وحشتناک و غیر قابل تحمل برای زنان، جوانان و نوجوانان دختر پی برد.

اگر تا قبل از نسل کشی فعلی ۱۱ درصد از خانواده ها توسط زنان سرپرستی می شدند، امروز در جریان نسل کشی، تعداد زنانی که همسران خود را از دست داده اند و در وضعیت نا امنی، گرسنگی، به دندان کشیدن فرزندان و افراد پیر خانواده، تنها سرپرست خانواده می باشند، به مراتب افزایش یافته است.

نزدیک به ۵۰ هزار زن باردار در غزه بسر می برند که ۴۰ درصد از آنان در موقعیت ریسک بالا قرار دارند. برای بیش از ۱۸۰ زنی که هر روز در غزه زایمان می کنند، از وجود دکتر، ماما، داروی بیهوشی، داروهای مسکن و وسائل بهداشتی خبری نیست. هزاران نوزاد بر روی زمین و در میان جاده های ویران شده توسط نژاد پرستان اسرائیلی و در بیابان و یا در پناهگاه های شلوغ، مکان هایی که غیر بهداشتی هستند و خطر ابتلا به عفونت را برای مادران صد چندان می کند، متولد می شوند و بند ناف شان با هر شی تیزی بریده می شود.

ده ها هزار زن بار دار و شیرده غذای کافی و آب تمیز در اختیار ندارند. مادرانی که به خاطر گرسنگی، پستان های شان از شیر خشک شده، مجبورند در صورت خوش شانس بودن از شیر خشک برای تغذیه نوزادان گرسنه خود استفاده کنند، یافتن آب تمیز برای جوشاندن به یک چالش روزانه برای شان تبدیل شده است. بنابر گزارشات، بسیاری از نوزادان از یک ماه پس از تولدشان در اردوگاه ها هنوز تن شان به آب نخورده و شسته نشده اند.

تنها چند هفته پس از آغاز نسل‌کشی، مرده‌زایی و سقط جنین ۲۰ درصد افزایش یافت. قطعاً آمار مرگ و میر مادران، نوزادان و سقط جنین بیشتر از گزارشاتی است که تا کنون منتشر شده است. اما آن‌چه که زنان و نوجوانان دختر از سر می‌گذارند به همین جا ختم نمی‌شود.

در یک اردوگاه خیمه‌ای به مساحت ۵ کیلومتر در رفح، هیچ نوع کمکی اجازه ورود ندارد و ساکنان این اردوگاه از غذا، تجهیزات پزشکی، وسایل بهداشتی و... محروم‌اند. نبود نوار بهداشتی برای ۷۰۰ هزار زن و دختر فلسطینی که سعی می‌کنند چرخه پریرود ماهانه خود را در اردوگاه‌ها از طریق تکه‌های بریده شده لباس و حوله‌های اندکی که در اختیار دارند، رفع کنند، خطر بیماری‌ها و عفونت‌های گوناگون را در بین‌شان گسترش داده است. با در نظر داشت این موضوع که برای هر ۲۰۰۰ نفر یک دوش برای حمام و برای هر ۵۰۰ نفر یک توالت موجود است.

اشغال‌گران پا به پای سرکوب خونین مردم و هدف قرار دادن زنان و کودکان، صدها زن و دختر فلسطینی، از جمله مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران، فعالین حقوق زن و... را به‌طور وحشیانه در غزه و کرانه باختری از ۷ اکتبر بازداشت و در زندان‌های مخوف خود حبس کرده‌اند. در عین حال تعداد نامعلومی از زنان و کودکان «ناپدید» شده‌اند و از سرنوشت آنان خبری در دست نیست.

آن‌چه را که باید در نظر داشت این واقعیت است که نژاد پرستی و زن‌ستیزی بخش جدا نشدنی از سیستم سرمایه‌داری اشغالگران اسرائیلی است. هدف اسرائیل یعنی پیش‌برد نسل‌کشی و از بین بردن یک جمعیت از ریشه و کنترل کامل سرزمین فلسطین که با بکار بردن حداکثر قوای نظامی و سیاسی توسط صهیونیست‌ها در حال انجام است، بدون هدف قرار دادن زنان و کودکان و از بین بردنشان نمی‌تواند عملی شود. به همین دلیل در میان کشته‌شده‌ها بیشترین آمار مربوط به زنان و کودکان است. حتی کارشناسان سازمان ملل نیز به این امر اذعان داشته‌اند که زنان در غزه همراه با کودکان‌شان بیشتر مورد حمله و کشته شدن قرار دارند.

در همین دوره بر اساس گزارش کارشناسان سازمان ملل اعلام شد که زنان و نوجوانان دختر فلسطینی در معرض آزار و اذیت جنسی مانند برهنه و تفتیش بدنی توسط افسران مرد ارتش اسرائیل قرار گرفته‌اند. بر اساس همین گزارش، دست کم به دو اسیر زن فلسطینی تجاوز شده و سایر اسیران زن توسط سربازان اسرائیلی تهدید به تجاوز و خشونت جنسی شده‌اند. طبق این گزارش آمار واقعی خشونت جنسی و تجاوز بر زنان و دختران فلسطینی بسیار بیشتر است. **همواره تصرف بدن زنان بخش مهمی از کنترل و اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها بوده است.**

زنان فلسطینی در منگنه پدر/مردسالاری در حال له شدن هستند. از یک طرف با دشمن عمده، صهیونیست‌ها با ساختاری نژاد پرست و مردسالار، روبرو هستند و از طرف دیگر با مردسالاران فلسطینی و در راس آنان انواع و اقسام بنیادگرایان اسلامی هم چون حماس. زنان آگاه و مبارز از یک طرف در جنگ روزانه با صهیونیست‌ها دست به گریبانند و از طرف دیگر با نرینه سالاری حاکم در خانه و اجتماع که از طریق قوانین اسلامی و سنت‌های ضد زن که در تاروپود جامعه از جانب نیروهای ضد زن اسلامی ریشه عمیق دوانده، در حال مبارزه هستند.

این شکل از مبارزه زنان آگاه فلسطینی قدمت طولانی دارد و دهه‌هاست به پیش می‌رود. زنان در مبارزات گوناگون علیه اشغالگران بویژه تا قبل از این که بنیادگرایان اسلامی از قدرت بیشتری برخوردار شوند، نقش مهمی بر عهده داشتند. این نقش را می‌توان در انتفاضه اول به روشنی مشاهده کرد.

«ستون فقرات انتفاضه اول زنان بودند. بر خلاف انتفاضه دوم که حماس رهبری آن را ربود و به همین دلیل هم در این مبارزه، زنان در آن کمتر حضور داشتند. در انتفاضه اول این زنان بودند که در مقابله با نیروهای اشغالگر، نقش تعیین کننده بر عهده داشتند و بسیاری از محاصره های دشمن را درهم شکستند». (از مصاحبه رفیق آذر درخشان با جمیله یکی از فعالین مبارز جنبش زنان در فلسطین مندرج در نشریه هشت مارس شماره ۵)

در آن زمان، زنان مبارز و آگاه، سازمان های توده ای زنان را بوجود آورده بودند و این امر حضور نقشه مند تر آنان را در مبارزه تضمین می کرد. در عین حال با پیشبرد این مبارزه هم زمان با تفکر غالب پدر/مردسالاری در میان صفوف مردم و سازمان های گوناگون در فلسطین مبارزه می کردند. در آن دوره هر گاه زنان مبارز فلسطینی موضوع ستم بر زن و مبارزه آگاهانه و نقشه مند علیه آن را در بین نیروهای سیاسی منتسب به چپ به میان می کشیدند، با این جمله کلاسیک که: «ما الان درگیر جنبش رهایی ملی هستیم و مسئله رهایی زنان مسئله مرحله بعد است و در حال حاضر و در عمل زنان در حال آزاد شدن هستند»، رویرو می شدند.» (همانجا).

در مقابل این تفکر انحرافی زنان آگاه و انقلابی نیز این استدلال را به میان می کشیدند که «ما تجربه انقلاب الجزایر را در مقابل خود داریم. زنان در انقلاب در صف اول آن قرار داشتند، اما بلافاصله پس از آزادی الجزایر از دست استعمار فرانسه، زنان به موقعیت عقب مانده درون جامعه رانده شدند. حجاب و بسیاری از ارزش های جامعه پدرسالار بر آنان تحمیل شد». (همانجا)

این واقعیتی است انکار ناپذیر که موضوع مبارزه مداوم و پیگیر با ستم بر زن در فلسطین را نمی توان موضوعی جدا از جنبش رهایی ملی دانست. این مبارزه از یک طرف به سازماندهی توده ای زنان کمک می کند و از طرف دیگر تفکرات پدر/مردسالارانه تمامی گروه های زنستیز اسلامی و رخنه آن در جامعه را به چالش می کشد. تا زمانی که زنجیر اسارت بر دست و پای زنان بسته باشد، رهایی ملی با هر مبارزه ای و با هر فداکاری حاصل نخواهد شد. این موضوع مهم را باید در نظر گرفت که زنجیر استعمار و استثمار، با زنجیر ستم بر زن، ستم بر کویرها و...، کامل شده است و رهایی توده های ستمدیده زنان و کل مردم فلسطین از مرتجعین داخلی و فاشیست های اسرائیلی، با در هم شکستن کل زنجیر ستم و استثمار و استعمار که ستم بر زن و ستم بر کویرها نیز یکی از حلقه مهم آن است، بدست خواهد آمد.

بیش از هفت دهه است که حق زندگی توسط فاشیست های اشغالگر از زنان و به طور کل مردم ستم دیده فلسطین گرفته شده؛ بر خلاف تبلیغات مسموم کننده مشکل اصلی نسل کشی موضوع اختلاف بین مسلمان و یهودی نیست. مساله اصلی و تعیین کننده، غصب تمام و کمال یک سرزمین توسط یک دولت استعماری وابسته به امپریالیست ها است که این چنین خونین در حال پیش روی است.

همین اوضاع به دسته بندی های متفاوت و متقابل در سطح جهان دامن زده است. بخش وسیعی ای از مردم بویژه در کشورهای غربی، جایی که دولت های شان در حمایت از اسرائیل و نسل کشی آنان گوی سبقت را از یکدیگر می ربایند، به خیابان آمدند و مخالفت خود را اعلام کردند. این تظاهرات ها به یک رخداد مهم سیاسی در سطح بین المللی مبدل گشته است. اعتراضات میلیونی در سراسر جهان و در کشورهای غربی نقاب «دمکراسی خواهی» و «حقوق بشری» امپریالیست ها را در هم درید و مردم بیشتر و بیشتری را به ماهیت استعمارگرانه اشغال فلسطین و نقش دولت های شان آگاه کرد.

یکی از خواست های اصلی مبارزات در سراسر جهان، خواست بر حق آتش بس است. خواستی که می تواند موقتا و گذرا از کشته شدن هر روزه صدها نفر جلوگیری کند، اما «آتش بس و صلح» به معنی آزادی فلسطینی ها نیست و اشغالگری ادامه خواهد یافت. تاریخ بیش از هفت دهه جنایت اشغالگران اسرائیلی و حامیان امپریالیستی اش این واقعیت را نشان داده است. موضوع اصلی و تعیین کننده این است که با چه تفکر و رهبری می توان به استعمار، استثمار، ستم های عدیده از جمله ستم جنسی/ جنسیتی در فلسطین پایان بخشید.

در زمانی که تظاهرات های میلیونی در خیابان ها در جریان بود، بسیاری از تشکلات فمینیستی زنان در این مبارزات شرکت نکردند. آنان با طرح این مساله که حماس در غزه به زنان و جامعه ال جی بی تی کیو پلاس ها خشونت می کند و آنان را از داشتن هر گونه حقوق محروم کرده است، خیال خود را نسبت به نسل کشی فلسطینی ها آسوده کردند و روی از مبارزات برگرداندند. این کاملا درست است که حماس و کل نیروهای اسلامی مرتجع زن ستیز، حق زندگی را از زنان و کوئیرها گرفته اند، اما این حقیقت، بار مسئولیت در قبال مخالفت با نسل کشی فلسطینی ها توسط اسرائیل را کم نمی کند.

در خاورمیانه و بویژه در ایران نیز برخی فعالین و تشکلات زنان در برابر این نسل کشی تا کنون سکوت کرده و عکس العملی از خود نشان نداده اند. در حقیقت این فعالین و تشکلات زنان با عقب افتاده ترین تفکراتی که در میان مردم موجود است سمت گیری کرده اند. تفکری که معتقد است چون «جمهوری اسلامی از فلسطین دفاع می کند، در نتیجه این نسل کشی ربطی به ما ندارد». اولا جمهوری اسلامی نه تنها مدافع مردم فلسطین نیست، بلکه در عمل با حمایت از حماس و سایر بنیادگرایان اسلامی، مخالفت خود را با مردم فلسطین و منافع آنان نشان داده است. دوما جمهوری اسلامی و حمایت آشکار و پنهان اش از حماس و سایر نیروهای اسلامی مرتجع، یکی از موانع مبارزات مردم فلسطین و بویژه نیروهای مترقی و انقلابی آنان علیه اشغالگران و حامیان اش می باشد. جمهوری اسلامی به خاطر اهداف و منافع خود در منطقه و کسب موقعیت برتر و از این طریق گرفتن امتیاز از امپریالیست ها است که نیروهایی هم چون حماس را می پروراند. هیچ کس نمی تواند ادعای مخالفت با نظام ستمگر در ایران، افغانستان و یا در هر نقطه دیگر از جهان را داشته باشد، اما از کنار نسل کشی فلسطینی ها توسط نژاد پرستان زن ستیز، کوئیر ستیز و فاشیست اسرائیلی و تمامی قدرت های امپریالیستی، عبور کند و نسبت به آن بی تفاوت باشد.

هیچ زن مبارز، آزادیخواه و فمینیستی که خواهان رهایی از ستم است نمی تواند نسل کشی در فلسطین را تحمل کند. در حقیقت عدم مخالفت روشن و قاطع در برابر این نسل کشی به معنای قرار داشتن در کنار اشغالگران و حامیان امپریالیستی آنان و هم زمان نیروهای ارتجاعی اسلامی هم چون حماس می باشد.

در نتیجه، آزادی و رهایی واقعی زنان و همه ستمدیدگان فلسطینی از اشغالگران اسرائیلی و کلیه امپریالیست ها و انواع و اقسام نیروهای ارتجاعی اسلامی، موضوعی مربوط به همه از جمله فعالین و تشکلات زنان در ایران، افغانستان و سراسر جهان است.

منابع مورد استفاده:

Who: 4.3.2024

The New York Times:3.3.2024

Middle East Monitor:1.3.2024

The Guardian:22.2.2024

Al Jazeera:19.2.2024

The Guardian:5.2.2024

United Nations (The question of Palestine):5.1.2024

*Chrishedge.Substack.com

برگرفته از نشریه هشت مارس شماره ۶۱

آوریل ۲۰۲۴ – فروردین ۱۴۰۳

www.8mars.com

zan_dem_iran@hotmail.com

<https://facebook.com/8Mars.org>

<https://t.me/hashtemars>

www.youtube.com/8marsorg

Instagram: @zanane8mars/ Twitter: @HashtMars